



Analysis of the Proportional Electoral System of the Islamic Council from the Perspective of Sustainable Development

Hafizullah Hamyar¹, Mahdi Sheikh Movahed^{2*}, Hossein Alaei³

1. PhD Student in Public Law, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Public Law, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Public Law, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 1225-1240

Article history:

Received: 24 Jul 2023

Edition: 5 Oct 2023

Accepted: 26 Nov 2023

Published online: 12 Mar 2024

Keywords:

Sustainable development, electoral system, proportional electoral system, Islamic Council.

Corresponding Author:

Mahdi Sheikh Movahed

Address:

Iran, Shiraz, Islamic Azad University, Shiraz Branch, Department of Public Law.

Orchid Code:

Tel:

09173117361

Email:

Mr5661@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aims: sustainable development is an important and effective issue in any political and social system, which in the political dimension is affected by people's participation or the means of achieving it, such as the electoral system. Is.

Materials and Methods: This article has used descriptive and analytical methods and library and documentation tools.

Ethical Considerations: In writing this article, ethical principles such as citation and trustworthiness have been observed.

Findings: An important part of sustainable development is related to political development and people's participation in their destiny, which can be realized through the adoption of a participatory electoral system. The proportional electoral system for the elections of the Islamic Council has the advantage that it causes the all-round participation of the people in the process of political development through the activation of parties and civil society.

Conclusion: activation of parties in elections, attention to national and macro interests, creation of conditions for the participation of ethnic groups and minorities, creation of an accountability system through parties and party lists, as well as attention to the participation of regions (provinces) in elections from One of the advantages of the proportional electoral system is that it creates sustainable development in the political dimension.

Cite this article as:

Hamyar HA, Sheikh Movahed M, Alaei H. Analysis of the Proportional Electoral System of the Islamic Council from the Perspective of Sustainable Development. . *Economic Jurisprudence Studies*. 2023.



دوره پنجم، شماره پیاپی ۵، سال ۱۴۰۲

تحلیل نظام انتخاباتی تناسبی مجلس شورای اسلامی از منظر توسعه پایدار

حافظ الله همیار^۱، مهدی شیخ موحد^{۲*}، حسین علایی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق عمومی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق عمومی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: توسعه پایدار امری مهم و اثرگذار در هر نظام سیاسی و اجتماعی است که در بُعد سیاسی متأثر از مشارکت مردم و یا ابزارهای تحقق آن نظیر نظام انتخاباتی است که هدف پژوهش حاضر نیز تحلیل نظام انتخاباتی تناسبی مجلس شورای اسلامی از منظر توسعه پایدار است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر از روش توصیفی و تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده کرده است.

ملاحظات اخلاقی: در نگارش مقاله حاضر اصول اخلاقی نظیر استناددهی و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: بخش مهمی از توسعه پایدار به توسعه سیاسی و مشارکت مردم در سرنوشت خویش مرتبط است که از طریق اتخاذ یک نظام انتخاباتی مشارکت محور قابل تحقق است. نظام انتخاباتی تناسبی برای انتخابات مجلس شورای اسلامی از این مزیت برخوردار است که باعث مشارکت همه جانبه مردم در فرایند توسعه سیاسی از طریق فعال کردن احزاب و جامعه مدنی می‌شود.

نتیجه: در صورتی که قانون حمایت از احزاب و تشکل‌ها بتواند زمینه را برای فعالیت احزاب فعال کند و احزاب نیز سازوکار پذیرش یکدیگر را بر مبنای قانون و روند مسالمت‌آمیز پذیرا باشند، نظام انتخاباتی تناسبی می‌تواند توسعه پایدار در بُعد سیاسی را فراهم نمایند. بدین ترتیب، فعال شدن احزاب در انتخابات، توجه به منافع ملی و کلان، ایجاد شرایطی برای مشارکت گروه‌های قومی و اقلیت‌ها، ایجاد نظام پاسخ‌گویی از طریق احزاب و فهرست حزبی و توجه به مشارکت مناطق (استان‌ها) در انتخابات از جمله مزایای نظام انتخاباتی تناسبی است که در بُعد سیاسی باعث ایجاد توسعه پایدار می‌شود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۲۲۵-۱۲۴۰

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۲

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۷/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۲۲

واژگان کلیدی:

توسعه پایدار، نظام انتخاباتی، نظام انتخاباتی تناسبی، مجلس شورای اسلامی.

نویسنده مسئول:

مهدی شیخ موحد

آدرس پستی:

ایران، شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، گروه حقوق عمومی.

کد ارکید:

تلفن:

۰۹۱۷۳۱۱۷۳۶۱

پست الکترونیک:

Mr5661@gmail.com

۱. مقدمه

توسعه پایدار از مباحث مهم و کلیدی در دوران معاصر است که هرچند برآمده از مکاتب اقتصادی است، اما با گذر زمان و اهمیت یافتن توسعه انسانی و سوق یافتن به سمت کیفیت زندگی، ابعاد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نیز پیدا کرده است. از این رو توسعه پایدار از نقش‌آفرینی مطلق دولت‌ها خارج شده و صبغه انسانی به خود گرفته است. وجه دیگر توسعه پایدار، توسعه سیاسی و مباحث مربوط به آن از جمله مشارکت سیاسی، مداخله و اثرگذاری مردم در سرنوشت و حضور آنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی است. با این وجود، در نظام‌های سیاسی و حکومتی مختلف، انتخابات و تکیه بر رأی‌گیری عمومی از نمادهای اصلی توسعه‌خواهی یک ملت در راستای قانونمداری است. اما برای محقق شدن این هدف که بخشی از فرایند توسعه پایدار نیز محسوب می‌شود، سازوکارهایی در نظر گرفته شده است که یکی از مهم‌ترین آنان، نظام انتخاباتی است. بدین معنا که اگر نظام انتخاباتی بتواند زمینه‌ساز مشارکت آحاد مردم در عرصه انتخابات شود، عاملی اثرگذار در فرایند توسعه سیاسی و به تبع آن توسعه پایدار در وجه سیاسی آن خواهد داشت.

از این رو هر ملت و قومی در راستای حق تعیین سرنوشت خویش در طی تاریخ اجتماعی-سیاسی هر سرزمینی از ابزار و حربه‌های سازگار با زمان و مکان خود استفاده کرده است. در این راستا انتخابات و رأی‌گیری با تکیه بر صندوق‌های رأی یکی از بارزترین تجلیات مشارکت سیاسی انسان در دنیای متمدن امروزی می‌باشد. انتخابات مجلس یکی از جلوه‌های آشکار انتخابات در هر کشوری است که با

توجه به عوامل و دلایل تاریخی، سیاسی و فرهنگی و اجتماعی، تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای با یکدیگر دارند. با توجه به اینکه نسبت انتخابات با نظام سیاسی یعنی دیکتاتوری و یا دموکراتیک بودن باعث تفاوت در عملکرد مجلس در هر کشوری می‌شود، پرداختن به نوع رابطه سیاسی میان این روابط قدرت و بینش و مشارکت مردم حائز اهمیت است. با توجه به اینکه در نظام مردم‌سالاری دینی نقش مجلس شورای اسلامی بسیار حائز اهمیت است، پرداختن به ابعاد آن از جمله نظام انتخاباتی نیز شایسته بررسی است. به‌طور مشخص نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی اکثریتی است؛ یعنی هر نامزدی که بتواند آراء بیشتری را کسب کند، وارد مجلس می‌شود. اما برخی نقایص حاصل از این شیوه نظام انتخاباتی از جمله کاهش مشارکت در انتخابات یا مشکلات ناشی از برگزاری آن نظیر کاهش نقش گروه‌ها و نامزدهای بازنده و محروم ماندن از کسب کرسی و یا غلبه نگرش قومی و قبیله‌ای در برخی از حوزه‌های انتخابیه باعث شده تا نوع نظام انتخاباتی مورد پرسش واقع شود. یکی از بدیل‌های نظام انتخاباتی برای برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی، نظام انتخاباتی تناسبی با فهرست حزبی است. بدین معنا که هر یک از نامزدها به واسطه معرفی شدن از سوی احزاب سیاسی، وارد کارزار انتخابات شده و با توجه به نسبتی که حزب آنان صاحب رأی می‌شود، کرسی-های مجلس را تصاحب می‌کنند. با این حال پژوهش حاضر درصدد است تا به این موضوع بپردازد که نسبت نظام انتخاباتی تناسبی (به‌عنوان بدیل) با بحث توسعه پایدار چیست. به‌عبارت دیگر، نظام انتخاباتی تناسبی از چه جهاتی می‌تواند باعث تحقق توسعه

توسعه سیاسی از طریق مشارکت هرچه بیشتر مردم به شکل مطلوبی محقق شود. نتیجه این روند از حیث سیاسی، دستیابی به توسعه پایدار است. بر این اساس، توسعه پایدار دارای وجهی سیاسی نیز می‌باشد که با گزینش نظام انتخاباتی تناسبی و مشارکت هرچه بیشتر مردم در عرصه انتخابات قابل تحقق است. ضمن اینکه شیوه مشارکت نهادی به واسطه گزینش نظام انتخاباتی تناسبی فرصت بیشتری برای عملیاتی شدن پیدا می‌کند. در نهایت اینکه نظام انتخاباتی تناسبی برای مجلس شورای اسلامی با استانی شدن انتخابات نیز باعث توسعه منطقه‌ای از حیث سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خواهد شد که با پیوند منافع منطقه‌ای و ملی، منجر به تداوم مسیر توسعه می‌گردد.

۵. بحث

۵-۱. مفاهیم

۵-۱-۱. توسعه پایدار

توسعه مفهومی نسبی و تحت تأثیر شرایط و وضعیت هر جامعه و تعریفی است که نظام سیاسی یا قوانین هر کشور و یا حتی نگرش مردم و جامعه از آن ارائه می‌کند. اگر زمانی عنصر اصلی توسعه «رشد اقتصادی» بود، امروزه چهار موضوع رشد اقتصادی، عدالت در توزیع، مشارکت سیاسی، و ارزش‌های متعالی عناصر اصلی توسعه به‌شمار می‌آیند. اگر در ابتدای دهه ۶۰ میلادی بیشتر بعد اقتصادی توسعه مورد توجه بود، امروزه توسعه به مباحث انسانی نیز توجه خاصی نشان داده است (قوام، ۱۳۹۵، ۱۳۳). اما نقطه برجسته در مفهوم توسعه و توسعه پایدار،

پایدار از منظر سیاسی آن شود؟ بر این اساس بدیهی است که نظام انتخاباتی اکثریتی نیز در خلال مباحث نقد و معایب آن مطرح شود و در سوی مقابل آثار گزینش نظام انتخاباتی تناسبی نیز بر بحث توسعه پایدار مطرح شود.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر از روش توصیفی و تحلیلی و ابزار کتاب-خانه‌ای و اسنادی استفاده کرده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در نگارش مقاله حاضر اصول اخلاقی نظیر استناددهی و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

نظام انتخاباتی فعلی مجلس شورای اسلامی از نوع اکثریتی است که مشکلاتی نظیر مشارکت پایین را در بر داشته است. از این رو یکی از علل پدید آمدن این مشکلات که باعث کند شدن فرایند توسعه سیاسی به عنوان یکی از مؤلفه‌های توسعه پایدار شده است، انتخاب شیوه جدیدی از نظام انتخاباتی است. یافته‌ها نشان داده است که نظام انتخاباتی تناسبی به دلیل فعال کردن احزاب سیاسی و اثرگذاری آنان بر عرصه انتخابات مجلس شورای اسلامی، در نظر گرفتن کرسی برای فهرست‌های بازنده، گروه‌های قومی، اقلیت‌ها و هم‌چنین امکان رقابت بیشتر میان نامزدهای فهرست حزبی باعث می‌شود تا فرایند

۵-۱-۳. نظام انتخاباتی تناسبی

نظام انتخاباتی تناسبی نوع خاصی از نظام انتخاباتی است که بر مبنای نسبتی که هر حزب سیاسی رأی کسب می‌کند، کرسی به‌دست می‌آورد. در نظام تناسبی فرد انتخاب‌کننده، رأی خود را به یک حزب در بین چندین حزب کاندیدشده، اختصاص می‌دهد و حزب به میزان رأیی که به خود اختصاص می‌دهد، صاحب کرسی می‌شوند. در این نظام افرادی که وابسته به حزب خاصی نیستند شانس انتخاب شدن در انتخابات را ندارند که این امر باعث ایجاد بی‌عدالتی در نظام تناسبی می‌شود (عباسی، ۱۳۸۸، ۲۴۴). اما ویژگی بارز نظام انتخاباتی تناسبی، وابسته بودن کرسی‌ها به حضور در احزاب یا معرفی شدن از سوی آنان است.

۵-۲. آثار گزینش نظام انتخاباتی تناسبی بر توسعهٔ پایدار

با در نظر داشتن تعاریف مرتبط با نظام انتخاباتی و گونهٔ خاص آن یعنی نظام انتخاباتی تناسبی، نقش و پیامد گزینش این نظام انتخاباتی بر فرایند توسعهٔ پایدار با تأکید بر ابعاد سیاسی توسعهٔ پایدار که مباحثی نظیر مشارکت شهروندان و یا تبدیل مشارکت توده‌ای به نهادی و سازمانی را شامل می‌شود، حائز اهمیت است که در مباحث پیش رو به این ابعاد پرداخته خواهد شد.

اهمیت یافتن عناصر سیاسی از جمله مشارکت مردم در این زمینه است. بدین معنا، فرایندی که نیازهای اساسی را برآورده نسازد یا - حتی برتر - ارضای آن‌ها را مختل سازد، صرفاً کاریکاتوری از توسعه می‌باشد (اختر شهر، ۱۳۸۶، ۲۴۶). بدین ترتیب، توسعهٔ پایدار ابعاد اقتصادی، اجتماعی، انسانی و فرهنگی دارد و در عرصهٔ سیاسی هنگامی قابل تحقق است که بتواند مشارکت مردم در عرصهٔ سیاسی و اجتماعی از جمله اموری نظیر تعیین نمایندگان، نظارت بر آنان و مداخلهٔ هرچه بیشتر در امور را محقق سازد.

۵-۱-۲. نظام انتخاباتی

نظام انتخاباتی در اصل فرایند تبدیل آرای شهروندان به کرسی و یا تعیین نماینده است. به عبارت دیگر، نظام‌های انتخاباتی، ترتیب تبدیل آرای انتخاب‌کنندگان به کرسی‌های نمایندگی را مشخص می‌کند (منصوریان و دیگران، ۱۳۹۶، ۳). بر همین اساس هر کشوری برای برگزاری انتخابات و مشخص نمودن نمایندگان مردم از یک سازوکار حقوقی و قانونی خاصی استفاده می‌کند که تحت عنوان نظام انتخاباتی از آن یاد می‌شود. در یک نگاه کلی می‌توان نظام‌های انتخاباتی را به سه دستهٔ نظام‌های اکثریتی، تناسبی و مختلط تقسیم کرد. نظام انتخاباتی اکثریتی فرایند گزینش نمایندگان را با برتری نصف آرا + یک معیار گزینش قرار می‌دهد، نظام تناسبی رویکرد حزبی دارد و به تناسب رأی مکتسبه، سهم کرسی‌های احزاب را نشان می‌دهد و نظام مختلط نیز تلفیقی از این دو شیوه است که هر یک از آنان نیز گونه‌های خاصی درون خود دارند.

۵-۲-۱. عنصر مشارکت سیاسی در امر توسعه پایدار

اگر توسعه را روند تغییر از وضعیت موجود و ناپایدار به وضعیت مطلوب و پایدار بدانیم و وضعیت مطلوب با آرمانی را که هدف چنین توسعه‌ای است، همان توسعه انسانی پایدار تعریف کنیم، برای سنجش و ارزیابی آن، دو معیار درجه انسانی بودن و درجه پایداری توسعه باید مورد توجه قرار گیرد. در چنین الگویی، توسعه، فرآیندی در جهت استفاده بهینه از منابع و فرصت‌ها خواهد بود. عناصر و زیر سیستم‌های اصلی تشکیل دهنده این فرآیند عبارت خواهند بود از مردم، منابع، فعالیت‌ها، فضاها و مشارکت، عناصری که در ارتباط متقابل و چند جانبه با یکدیگر قرار دارند. پیوند مطلوب این عوامل باعث افزایش کارایی سیستم و در واقع افزایش پایداری، تعادل و بازده سیستم توسعه می‌گردد (جمعه‌پور، ۱۳۷۸، ۷). در این صورت، توسعه پایدار علاوه بر توجه به نقش مؤثر و حکمرانی مطلوب نظام سیاسی بر نقش و مداخله مردم در اداره امور و یا نظارت بر آن نیز تأکید دارد.

توسعه پایدار امری نوین و وابسته به شرایط ناشی از اهمیت نقش مردم در اداره امور است؛ یعنی بازسازی جامعه بر اساس اندیشه‌ها و بصیرت‌های تازه، علم-باوری، انسان‌باوری و آینده‌باوری سه اندیشه در دوران مدرن هستند و برای رسیدن به توسعه، باید به سه اقدام اساسی درک و هضم اندیشه‌های جدید، تشریح و تفصیل این اندیشه‌ها و ایجاد نهادهای جدید برای تحقق عملی آن‌ها پرداخت (عظیمی، ۱۳۷۱، ۱۰۳).

بر این اساس، توسعه به معنای کاهش فقر، بیکاری، نابرابری، صنعتی شدن بیشتر، ارتباطات بهتر، ایجاد نظام اجتماعی مبتنی بر عدالت و افزایش مشارکت

مردم در امور سیاسی جاری نیز آمده است (ازکیا و دیگران، ۱۳۸۶، ۴۱). نتیجه اینکه توسعه‌یافتگی یک مقصد یا یک نقطه هدف نیست، توسعه‌یافتگی یک مسیر است. لذا در اغلب اسناد به جای عبارت «توسعه‌یافتگی»، از عبارت «توسعه پایدار» استفاده می‌شود.

مزیت اصلی استفاده از این عبارت این است که طبقات مختلف جامعه یا ملل دنیا به این درک مهم نائل می‌شوند که «توسعه نقطه پایانی ندارد». به عبارتی هرگز نمی‌توان چنین ادعا کرد که پس از فراهم آمدن چند شرط عام و خاص در یک کشور، بگوییم این کشور توسعه‌یافته محسوب می‌شود و به پایان راه رسیده‌ایم؛ بلکه باید چنین گفت که «این کشور در مسیر توسعه پایدار قرار دارد»، هر چند ممکن است بر اساس برخی شاخص‌های استاندارد بین‌المللی کشور مزبور کشوری توسعه‌یافته تلقی شود. با این حال، رشد و توسعه اقتصادی همواره مسئله‌ای اجتماعی-سیاسی است و ایده توسعه اقتصادی جای خود را به مفهومی وسیع‌تر چون توسعه اجتماعی می‌دهد (ازکیا و دیگران، ۱۳۸۶، ۴۶). هم‌چنین در فرایند توسعه حتی از نوع اقتصادی آن، تمام گزینه‌های انسانی وسعت یابد. بی‌شک گزینه‌های دیگری نیز وجود دارد که برای بسیاری از مردم بس ارزشمند است. اگرچه شکل این گزینه‌ها متفاوت است، ولی از آزادی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تا فرصت سازندگی و بروز خلاقیت، بهره‌مندی از عزت نفس شخصی و تضمین حقوق انسانی را در بر می‌گیرد. بر این اساس است که می‌توان گفت هدف توسعه پایدار دیگر نمی‌تواند صرفاً اقتصادی و بالابردن نرخ رشد تولید ناخالص ملی و

«نظام انتخاباتی» که طبق قانون اساسی هر کشوری تعیین می‌گردد، بر کارکرد احزاب و نوع مشارکت سیاسی مردم اثر تعیین‌کننده‌ای دارد. «نظام‌های انتخاباتی»، ترتیب تبدیل آرای انتخاب‌کنندگان به کرسی‌های نمایندگی را مشخص می‌کند (منصوریان، ۱۳۹۶، ۳) و در زمره شاخص‌ترین عناصر تأثیرگذار به‌شمار می‌روند که نقش‌آفرینی آن‌ها در انتخاب نمایندگان، میزان مشارکت شهروندان، تقویت نظام حزبی، کارآمدی و ثبات نظام سیاسی، برقراری ارتباط میان انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و موضوعات مهم دیگری از این قبیل غیر قابل انکار است. یکی از انواع نظام‌های انتخاباتی، تناسبی است؛ بدین معنا که در نظام در نظام تناسبی فرد انتخاب‌کننده، رأی خود را به یک حزب در بین چندین حزب نامزدشده، اختصاص می‌دهد و حزب به میزان رأیی که به خود اختصاص می‌دهد، صاحب کرسی می‌شوند (عباسی، ۱۳۸۸، ۲۴۹). این بدان معناست که ستون قائم نظام انتخاباتی تناسبی، احزاب سیاسی هستند. این رویه در نظام انتخاباتی تناسبی در صورتی که در انتخابات مجلس شورای اسلامی به کار گرفته شود، می‌تواند به مشارکت نهادی یاری رساند که خود، بعد مهمی از توسعه سیاسی به‌طور خاص و توسعه پایدار به‌طور عام است. پرداختن به موارد مرتبط با نظام انتخاباتی و نقش آنان بر فرایند توسعه می‌تواند برخی زوایای این ارتباط را به ما نشان دهند.

۵-۲-۳. کمک به تحقق مشارکت نهادی

بدون وجود احزاب سیاسی مشارکت با بحران‌های اساسی روبه‌رو می‌شود یا وضعیت امتناع پیش می‌آید و یا مشارکت، حالت توده‌ای و ابهام به خود می‌گیرد

درآمد سرانه باشد، بلکه توسعه، فرایندی از تغییر و دگرگونی است که نه تنها در زمینه اقتصادی، بلکه در زمینه سیستم اجتماعی، سازمان سیاسی و بالاخره ضوابطی که رفتارهای انسانی را در جامعه رهبری می‌کند، نیز اثر می‌گذارد. به عبارت دیگر، توسعه به معنای ارتقای مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر و یا انسانی‌تر است (تودارو، ۱۳۸۲، ۱۳۲). بنابراین با پذیرش ابعاد مختلف توسعه پایدار، وجه سیاسی آن نیز بسیار مهم و حائز اهمیت است که به مباحثی نظیر مشارکت سیاسی، انتخابات و یا نوع نظام انتخاباتی برای مداخله مردم در امور مرتبط است که محور مباحث آینده است.

۵-۲-۲. نقش نظام انتخاباتی در توسعه پایدار

با توجه به اینکه تعریف توسعه پایدار به مشارکت سیاسی نیز معطوف است، پرداختن به عناصر توسعه پایدار نقش مهمی در شکل‌گیری آن خواهد داشت. در اغلب رویکردها، عناصر زیر به‌عنوان عناصر توسعه پایدار محسوب می‌شوند؛ از جمله: رشد درآمد سرانه، درآمد ملی بالا، توزیع نسبتاً عادلانه ثروت، بخش مهم و فعال صنعتی، رفاه اجتماعی و ارائه خدمات آموزش مناسب و پیشرفته، اشتغال، حمل‌ونقل مناسب، امنیت فردی و اجتماعی، بهداشت، تغذیه کافی، برنامه‌های حمایتی، تولید انبوه، صادرات متنوع و فراوان، امید به زندگی در سطح بالا، بازار فعال فرهنگ اقتصادی و کار، و روحیه مشارکت در مردم (حکیمی، ۱۳۸۰، ۵۶). بدین ترتیب، امروزه مشارکت مردم در امور و وجود سازوکارهایی برای عملی ساختن این مشارکت، بخش مهمی از فرایند توسعه است که به نظام انتخاباتی نیز مرتبط است.

که خود خطری برای دموکراسی است (نقیب‌زاده، ۱۳۸۹، ۲۰۷). هم‌چنین آموزش توده‌های شهروند و ایجاد انگیزه برای مشارکت آن‌ها در امور سیاسی به تدریج و به دلیل توسعه فرهنگ سیاسی، از کارویژه‌های بنیادین احزاب است. بنابراین باید به جای مشارکت توده‌ای به فکر ایجاد نهاد در روند تحقق مردم‌سالاری باشیم. زیرا تغییر در نهادها باعث ایجاد تغییر در برآیند رفتار و رویکردهای سیاسی نیز خواهد شد (اعمایی و دیگران، ۱۳۹۸، ۱۸). نقش احزاب سیاسی در تقویت رویکرد نهادی و خارج کردن مشارکت توده‌ای در عرصه‌های مختلف، بخش مهمی از فرایند اثرگذاری احزاب در موضوعات سیاسی نظیر انتخابات است که در نظام انتخاباتی تناسبی به شکل بهتری محقق می‌شود.

بحث وجود احزاب به‌عنوان نهادی مدنی که بتواند حوزه سیاست را به سمت نهادمندی کردن به پیش برد، بیش از پیش در قوانین داخلی نیز قابل مشاهده است. قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی، مصوب ۴ / ۱۱ / ۱۳۹۴، آخرین قانون مربوط به وضعیت حقوقی احزاب در ایران است. با این وجود که پیش‌تر مطرح شد، احزاب سیاسی ضرورتی انکارناپذیر در نظام سیاسی هر کشوری هستند، کشور ایران نیز فارغ از این ضرورت نیست و نمی‌تواند بدون احزاب سیاسی ادعای چندانی در مورد مردم‌سالاری بنماید. چراکه در واقع، دموکراسی مدرن کاملاً مبتنی بر احزاب سیاسی است. هرچه احزاب بیشتر اهمیت داشته باشد، دموکراسی بیشتر کارآمد می‌شود (فیرحی، ۱۳۸۰، ۳۵). هم‌چنین از حیث نقش احزاب در توسعه پایدار نیز این نهادها باعث ایجاد سازوکاری قدرتمند و ایجاد هنجارهای مشترک میان

اعضای جامعه می‌شوند (مشهدی احمد، ۱۳۹۲، ۵۷). علاوه بر این‌ها کارکرد احزاب به‌عنوان امری حیاتی و لاجرم می‌نماید. «احزاب سیاسی تنها ابزار عملی هستند، که اطمینان می‌دهند نهادهای دموکراسی در دولت مدرن می‌توانند به کار خود ادامه دهند» (همان، ۳۷). در نظام جمهوری اسلامی ایران که به مشارکت سیاسی مردم اعتقاد دارد (فصل هفتم قانون اساسی اصول ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵ و ۱۰۶) ضرورت احزاب در تصویب قوانین متعدد در این زمینه (شامل احزاب و تشکلهای سیاسی) حس می‌شود، و کارکرد احزاب هرچند در عمل ناکارآمد است، اما اگر به‌طور واقعی احزاب حضور یابند، تمام کابینه دولت، پارلمان و محتوای نظام سیاسی را می‌تواند تحت تأثیر خود قرار دهند. بدین ترتیب، یکی از راهکارهای اساسی برای فعال کردن احزاب سیاسی در عرصه انتخابات، استانی کردن انتخابات و اتخاذ نظام انتخاباتی تناسبی با احراز صلاحیت حزبی است که بتواند فرایند توسعه را از حیث سیاسی محقق سازد.

علاوه بر این بر مبنای گرایش قانون اساسی به نقش آفرینی احزاب سیاسی، پویا شدن آنان به‌صورت عملی، از مسیر تغییر نظام انتخاباتی قابل تحقق است. ضمن اینکه احزاب به‌مثابه بخشی از نهادها باعث مشروعیت بخشیدن به ارزش‌ها و فرایندهای ارزش-یابی هنجاری می‌شوند (رمضانی باصری و دیگران، ۱۳۹۳، ۱۲۴). این نهادها به دلایلی از جمله: کمک به رشد و توسعه احزاب و نهادهای نوپا، قوی شدن جامعه مدنی، نظارت مستمر نهادها بر فعالیت‌های مدیران سیاسی و پیش‌گیری از تمرکز قدرت می‌توانند نقش قابل توجهی در تحقق مردم‌سالاری

گرفته و در جهت بهبود وضع موجود به پیش برد و به تحقق توسعه پایدار یاری رساند.

۵-۲-۴. کمک به توسعه پایدار از منظر مشارکت مؤثرتر گروه‌های قومی

اکثریتی بودن نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی که هم اکنون نیز مسلط است، تسلط دائمی اکثریت یک حوزه انتخابی بر اقلیت است. به لحاظ سیاسی و در عمل نیز این رویه بدین معناست که اکثریت یک حوزه انتخابیه همواره پیروز انتخابات هستند و اگر یک اقلیت دینی، مذهبی، عقیدتی، سیاسی و قومی در آنجا حضور دارند، از داشتن کاندیدا در مجلس محروم هستند. بنابراین اکثریتی بودن انتخابات مجلس شورای اسلامی بدین معناست که یک اندیشه بر دیگران حاکمیت دارد و خبری از اقلیت‌ها و گروه‌های ذی‌نفع اجتماعی نیست (دهشیار، ۱۳۸۶، ۲۹). امری که در تضاد با توسعه پایدار و عادلانه و مشارکت برابر همگان در امر توسعه پایدار است. بدین ترتیب، تداوم نظام انتخاباتی اکثریتی در انتخابات مجلس شورای اسلامی به شیوه نظام‌مند باعث طرد گروه‌های اقلیتی می‌شود که در یک حوزه انتخابیه از تعداد نفرات کمتری برخوردار هستند.

از منظر قانون اساسی نیز باید گفت که تداوم این نظام انتخاباتی می‌تواند در تعارض با اصل مشارکت مردم و حضور آن در اداره امور از جمله اصول ۳، ۶، ۷، ۱۹، ۲۰، ۲۶، ۵۶ و ۱۰۷ قانون اساسی باشد. بنابراین کاستی عمده نظام انتخاباتی اکثریتی آن است که باعث حذف اقلیت‌ها می‌شود که این به معنای سیطره اکثریت بر اقلیت است. رویه‌ای که

داشته باشند. مطابق اصل بیست‌وششم قانون اساسی تشکیل و فعالیت احزاب و جمعیت‌ها در قانون ایران به رسمیت شناخته شده است، اما قانون فعالیت احزاب با تأسیس کمیسیون ماده ۱۰ که اکثریت اعضای آن را نمایندگان حکومتی تشکیل می‌دهد (بلوچی، ۱۳۹۴، ۵۲). می‌توان چنین استنتاج کرد که حیات احزاب و گروه‌های سیاسی از بدو تشکیل تا انحلال در انحصار دولت است (هاشمی و دیگران، ۱۳۹۰، ۳۷). این رویه نشان‌دهنده وابسته بودن نهادها به دولت و زیر سؤال رفتن اصل استقلال آنان است که یکی از راه‌های خارج شدن از این شرایط و پویایی احزاب سیاسی، برگزیدن نظام انتخاباتی تناسبی و برگزاری انتخابات استانی در انتخابات مجلس شورای اسلامی هستیم تا بتوان فرایند توسعه پایدار را از حیث ایجاد نهادهایی برای توسعه سیاسی فراهم نمود.

در تحلیل این نظامات و با عنایت به قانون احزاب باید چنین استنباط نمود که نظام قانونی کشور باید به گونه‌ای باشد که اصل بر فعالیت و مشارکت‌های سیاسی-اجتماعی شهروندان در آن رعایت گردد و دولت‌ها نیز به‌عنوان بستر ساز و نه مهارکننده و کنترل‌کننده آن باشند. به عبارت دیگر می‌توان چنین بیان نمود که نهادهای مردمی سیاسی و اجتماعی، نیازی به کسب جواز تأسیسی به دلیل مسئله سلب آزادی شهروندان مطابق اصل نهم قانون اساسی نخواهند داشت (حبیب‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۸، ۱۶). اما برای پویا شدن نقش و توجه به فعالیت احزاب، نیازمند اتخاذ نظام انتخاباتی مناسب که همانا نظام انتخاباتی تناسبی است، هستیم. رویکردی که بتواند نهادهایی نظیر احزاب را در جایگاه واقعی خود به کار

کلان و ملی می‌شود که اصلی اساسی در توسعه پایدار است. بدین معنا که به‌جای ایجاد سازوکاری برای انتخاب نمایندگان کلان‌نگر باعث ایجاد برخی تنش‌ها و درگیری‌های قومی می‌شود. این رویه بارها در انتخابات مجلس شورای اسلامی و مخصوصاً در حوزه‌های انتخابی که اقوام رقیب وجود دارند، محسوس است.

عواقب رویکرد قوم‌گرایانه در انتخابات مجلس شورای اسلامی تنها به انتخاب فردی از میان قبیله و یا طایفه محدود نمی‌شود؛ بلکه باعث می‌شود تا فرد انتخاب‌شده نیز منابع مادی و خدماتی را به‌سمت قوم خویش سوق دهد (چلپی، ۱۳۷۵، ۲۷۵). از این جهت نیز نظام انتخاباتی اکثریتی و نامزدمحور، باعث ایجاد تبعیض و شکل‌گیری گروه‌های قدرت در جامعه می‌شود. ناکارآمد شدن نیروهای اجتماعی، تخصیص ناعادلانه منابع و امکانات و بی‌توجهی به حقوق شهروندی در حوزه‌های انتخابیه نیز آثار دیگری از حاکم شدن طایفه‌گرایی در انتخابات اکثریتی و نامزدمحوری است (میرزایی‌تبار، ۱۳۹۶، ۱۵). هم‌چنین تسخیر نمایندگی ادوار توسط یک نماینده در حوزه‌های انتخابیه کوچک و قوم‌گرا و بی‌رقیب بودن آنان در انتخابات جلوه‌ای از تبعات نظام انتخاباتی اکثریتی است.

با عنایت به موارد یادشده و جهت رفع مشکلات موجود در نظام انتخاباتی اکثریتی مجلس شورای نیازمند جایگزینی نظام انتخاباتی تناسبی و استانی شدن انتخابات هستیم. به این دلیل که وظیفه اصلی نمایندگان، قانون‌گذاری و نظارت بر اجرای صحیح قانون در سطح کلان است و از این‌رو، محلی بودن انتخابات باعث دخالت بیش از حد نمایندگان مجلس

می‌تواند خودکامگی اکثریت را در پی داشته باشد و جلوی توازن قدرت را نیز بگیرد (صمدی، ۱۳۷۴، ۱۴۱). بنابراین نظام انتخاباتی اکثریتی که در حال حاضر منجر به انتخاب نمایندگان مجلس می‌شود، از یک جهت در تضاد با توسعه پایدار است. به این دلیل باعث محروم ساختن اقلیت‌ها و گروه‌های کوچک از حیث سازمانی، حزب و گزینش نماینده می‌شود. اما از جهت ممانعت از ایجاد فرایند توسعه پایدار باید گفت که نظام انتخاباتی اکثریتی در انتخابات مجلس شورای اسلامی مشکل دیگری ایجاد می‌کند و آن، فعال بودن درگیری‌های قومی، قبل، حین و پس از برگزاری انتخابات است. این تنش‌ها مخصوصاً در زمان پیروزی نامزدها در یک حوزه انتخابیه کوچک و مناطقی که رقابت‌های قومی و قبیله‌ای فعال است، بیشتر قابل مشاهده است. زیرا در این شیوه انتخابی، نامزدی که در مقایسه یا سایر نامزدها و رقبای انتخاباتی رأی بیشتری کسب کند، پیروز انتخابات است (اطاعت و دیگران، ۱۳۹۰، ۹۰). تبعات این رویه به‌معنای آن است که فرایند توسعه پایدار به‌دلیل ممانعت از گروه‌های قومی و اقلیت با شیوه نظام انتخاباتی اکثریتی با مشکلاتی مواجه شود.

علاوه بر این از جهت ایجاد مشکلاتی برای توسعه پایدار باید بیان کرد که نظام انتخاباتی اکثریتی می‌تواند حذف برخی از گروه‌های قومی را در مناطق کوچک در پی داشته باشد که این باعث سرخوردگی، یأس و درگیری می‌شود. در شرایطی که این رویه به صورت افراطی ادامه داشته باشد، زمینه برای بروز انواع خشونت در صحنه سیاسی و بی‌ثباتی فراهم می‌گردد (خسروی، ۱۳۹۵، ۱۰۳). انتخاب نمایندگان با گرایش قومی نیز منجر به نادیده گرفتن منافع

این روند نیز هم‌سویی احزاب سیاسی با برنامه‌های توسعه و دنبال کردن ابعاد سیاسی توسعه و پرهیز از نگرش «بخشی» به روند توسعه پایدار در کشور است. در این رویکرد نیز نیازمند گزینش نظام انتخاباتی تناسبی هستیم.

۵-۲-۵. مشارکت ملی به‌جای مشارکت قوم-مدارانه

اگر بتوان پذیرفت که مشارکت سیاسی و توسعه سیاسی بخش مهمی از فرایند توسعه پایدار است (برنل و رندال، ۱۳۹۶، ۱۶۵)، در این صورت گزینش نظام انتخاباتی مطلوب نقش مهمی در تحقق این هدف خواهد داشت. ضمن اینکه نظامی انتخاباتی که بتواند باعث افزایش مشروعیت نظام‌های سیاسی و ایجاد وفاق ملی شود، از شایستگی بیشتری برخوردار خواهد بود. هم‌چنین فایده گسترش عرصه مشارکت سیاسی در آن است که مشارکت سیاسی به آفرینش شهروندی فرهیخته‌تر و آگاه‌تر کمک می‌کند (هیوود، ۱۳۸۹، ۲۳۴). بدین معنا که توسعه سیاسی در نهایت می‌تواند شهروندانی آگاه برای مداخله و حق تعیین سرنوشت بیافریند. با توجه به اینکه نظام انتخاباتی اکثریتی برای انتخابات مجلس شورای اسلامی آنچنان نتوانسته مشارکت را در طی سالهای طولانی تداوم بخشد، جایگزینی آن با نظام انتخاباتی اکثریتی می‌تواند باعث مشارکت بیشتر شهروندان در امور گردد.

علاوه بر این، از دیگر نتایج گزینش نظام انتخاباتی تناسبی و استانی کردن انتخابات مجلس شورای اسلامی، تعمیق دموکراسی و پرهیز از نگرش‌های

در امور جزئی و محلی می‌شود که خود نوعی تداخل وظیفه با سایر نهادها و ارگان‌ها را به‌وجود آورده است. استانی شدن انتخابات باعث می‌شود تا نمایندگان مجلس از دخالت در امور تخصصی و ریز که از وظایف سایر وزارت‌خانه‌ها و دوایر دولتی است، پرهیز نمایند (دارابی، ۱۳۸۸، ۱۰). به‌عنوان نمونه می‌توان به دخالت نمایندگان مجلس در برخی امور و وظایف شوراهای اسلامی شهر و روستا اشاره کرد که این رویه باعث می‌شود تا شوراهای اسلامی شهر و روستا از انجام وظایف اصلی خود باز بمانند. هرچند باید به این مسئله اشاره نمود که دخالت نمایندگان مجلس در این زمینه به یک سنت و رویه معمولی تبدیل شده است (میرزاده کوهشاهی و دیگران، ۱۳۹۰، ۱۶۳). به نظر می‌رسد برای رفع این معضل و کمک شایسته به استقلال سایر نهادها از جمله ادارات و نهادهای اجرایی، شوراهای اسلامی و... گزینش نظام انتخاباتی تناسبی و به‌تبع آن، استانی شدن انتخابات می‌تواند تا حدود زیادی دخالت نمایندگان را به حداقل رسانده و به حفظ استقلال سایر نهادها کمک کند و باعث تحقق توسعه پایدار از حیث دنبال کردن منافع ملی گردد.

انتقاد دیگری که به نظام انتخاباتی اکثریتی و نامزدمحور مجلس شورای اسلامی وارد است، دخالت نمایندگان در امور اجرایی حوزه‌های انتخابیه است که در پاره‌ای از مواقع، حتی باعث تعارض منافع و مصالح حلقه‌های هویتی سطح و میانه با سطح کلان می‌شود (آزاد ارمکی و دیگران، ۱۳۹۹، ۶۲). اما گزینش نظام انتخاباتی تناسبی می‌تواند منجر به پاسخ‌گویی احزاب شود و احزاب را در برابر مردم از یک طرف و نظام سیاسی از طرف دیگر بنشانند. نتیجه

گزینش نظام انتخاباتی تناسبی از جهت دیگری نیز به تحقق توسعه پایدار بر مبنای نگرش ملی کمک می‌کند. زیرا در چارچوب نظام انتخاباتی اکثریتی که از زمان آغاز به کار مجلس شورای اسلامی حاکم بوده است، باعث ایجاد مشکلاتی شده بود. اول، معیار انتخاب نمایندگان نه صلاحیت و شایستگی؛ بلکه پایگاه قومی و طایفه‌ای بیشتر است. دوم، وجود درگیری‌ها و تنش‌های قومی در شهرها و حوزه‌های انتخابی که تنش‌های قومی وجود دارند. سوم، معیار قرار دادن منافع و اهداف قومی و طایفه‌ای به جای معیارهای ملی. بنابراین موارد یادشده باعث می‌شوند تا نسبت به معضلات گرایش‌های قومی و طایفه‌ای در انتخابات مجلس شورای اسلامی با حساسیت بیشتری توجه نشان داده شود. تعصبات شدید قومی در انتخابات مجلس شورای اسلامی باعث می‌شود تا افراد به حمایت بی‌درنگ از فامیل و نزدیکان خویش اقدام کنند. در معنای وسیع‌تر، تعصبات قومی و قبیله‌ای می‌تواند خصومت‌های گسترده‌ای ایجاد کند (اکبرنژاد و دیگران، ۱۳۹۳، ۳۵۷). به صورت دقیق‌تر می‌توان این رویه قوم‌مدارانه را در شهرهای کوچک مشاهده نمود. در جاهایی که طوایف و اقوام به لحاظ تاریخی دارای مشکلاتی هستند، انتخابات بیش از پیش رنگ و بوی قومی و طایفه‌ای به خود می‌گیرد. به وضوح و به صورت مصداقی می‌توان قدرت‌نمایی قومی را به معنای آنچه وجود یک اراده برتر در یک شهر و مکان است، دانست (بخشایشی اردستانی، ۱۳۷۶، ۷۳) که اغلب در زمان انتخابات مجلس شورای اسلامی به نمایش در می‌آید. به نظر می‌رسد استانی شدن انتخابات و حاکم شدن نظام انتخاباتی تناسبی فهرست حزبی می‌تواند باعث کاهش درگیری‌های قومی و قبیله‌ای شود (مرکز پژوهش‌های مجلس

قوم‌مدارانه است. زیرا یکی از مشکلات اساسی در انتخابات مجلس شورای اسلامی در ایران، معیار قرار گرفتن گرایش‌های قومی و طایفه‌ای است. رویکرد طایفه‌گرایی به معنای اثرگذاری عوامل مکانی و جغرافیایی در انتخاب مؤثر رأی‌دهندگان ساکن در محدوده‌های خاص در یک شهر و روستا است (کاوینی‌راد و دیگران، ۱۳۸۷، ۳). بنابراین موضوع طایفه‌گرایی باعث می‌شود تا در برخی از مواقع، میان اقوام مختلف و طوایف کشور، درگیری و اختلاف شکل بگیرد. این درگیری‌های قومی و طایفه‌ای باعث ناامن شدن فضای شهرها می‌شود (سجادیان و دیگران، ۱۳۹۴، ۶۰). در انتخابات نیز همین رویه باعث می‌شود تا معیارهای قومی و طایفه‌ای در انتخاب نمایندگان مجلس اثرگذار باشد. اما استانی شدن انتخابات در چارچوب نظام انتخاباتی تناسبی فهرست حزبی می‌تواند نگرش رأی‌دهندگان در انتخابات مجلس را از عرصه قومی و محلی فراتر ببرد و به مسائل استانی و ملی پیوند بزند. از این منظر، رقابت‌های خشونت‌آمیز فرقه‌ای تنزل پیدا می‌کند و نظام انتخاباتی عادلانه‌تر و این به نوبه خود باعث تقویت فرهنگ حزب در کشور می‌شود (اکبری و دیگران، ۱۳۹۵، ۲۹). اما در شیوه تناسبی با مبنا بودن گزینش حزبی نامزدها و گرایش مردم به احزاب، نوعی نگرش عمیق سیاسی پدید می‌آید که در نهایت به دنبال آن است تا خواسته‌های عموم مردم را در جهات ملی و تفاهم سازنده به پیش ببرد. این رویه نیز میسر نیست؛ مگر آنکه نظام انتخاباتی به عنوان مهم‌ترین عامل در برگزاری انتخابات به سمتی تغییر کند که در چارچوب آن بتوان زمینه‌ای برای فعالیت احزاب سیاسی فراهم آورد.

سیاسی بنا شده است و هر یک از احزاب به تناسب میزان رأی خود می‌توانند کرسی پارلمانی کسب کنند (آل‌غفور و دیگران، ۱۳۹۹، ۲۶۵). از طرف دیگر، امروزه حزب به‌عنوان معیاری برای انتخاب شایستگان در عرصه سیاسی است. بنابراین نظام انتخاباتی تناسبی می‌تواند حامی انتخاب افراد شایسته در عرصه انتخابات تلقی شود. بنابراین استانی شدن انتخابات و گزینش نظام انتخاباتی تناسبی در ایران می‌تواند آغازی برای ورود افراد شایسته، دارای صلاحیت و توانایی بالا در حیطه مسائل ملی و منطقه‌ای باشد. به این دلیل که تعیین کاندیدها برای رقابت به‌صورت لیستی انجام می‌گیرد. هنگامی که قاعده لیستی حاکم شود، به دلیل محدودیت لیست، احزاب تلاش می‌کنند که به‌صورت گزینشی اقدام به انتخاب نامزدها کنند. این موضوع باعث افزایش احتمال پیروز شدن نخبگان در کشور می‌شود و فضای نخبگانی را صورت می‌دهد که خود موجب ارتقای سطح کیفیت قانون‌گذاری می‌گردد (عطایی، ۱۳۹۴، ۱). نتیجه این روند نیز تحقق توسعه پایدار با استفاده از گزینش نمایندگان نخبه، کارآمد و بر مبنای صلاحیت از سوی احزاب سیاسی است. اگر احزاب سیاسی پاسخ‌گو شوند، کوشش آنان بر این است تا برای جلب رأی شهروندان، افرادی را مورد حمایت قرار دهند که از مقبولیت مردمی و صلاحیت تخصصی در حوزه قانون‌گذاری برخوردار باشند و مجلس شورای اسلامی نیز مقدمه‌ای برای تحقق توسعه پایدار تلقی شود.

۶. نتیجه

امروزه بحث توسعه پایدار، تنها دارای وجوه اجتماعی و اقتصادی نیست؛ بلکه سویه سیاسی مهمی دارد که

شورای اسلامی). در این صورت توسعه بر مبنای نگرش ملی و نه بخشی بر مدیریت جامعه و مخصوصاً قوه مقننه حاکم می‌شود که نتیجه آن، تقویت نگرش توسعه پایدار در جامعه در وجه سیاسی آن می‌شود. علاوه بر این، گزینش نظام انتخاباتی تناسبی به معنای کاسته شدن از نگرش توده‌ای در زمان انتخابات است که خود بر مقوله توسعه سیاسی نهادی کمک می‌رساند. زیرا برخی بر این باور هستند که ذهنیت قانون‌گذار در ایران، بیش از هر چیز به دنبال مشارکت توده‌ای است (اعمایی و دیگران، ۱۳۹۸، ۲۷). بنابراین برای طی کردن مسیر توسعه پایدار در بُعد سیاسی آن نیازمند تغییر رویه به سمت نهادی شدن و مشارکت سازمانی از سوی مردم در قالب نهادهای مدنی هستیم تا بتواند در زمان انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز آثار مطلوبی در پی داشته باشد. بدین معنا که نگرش توده‌ای را به نگرش مشارکتی فعال و اثربخش تبدیل نموده و آگاهی بخشی سیاسی به‌عنوان یکی از اهداف احزاب در زمان انتخابات مورد استفاده قرار داده شود تا توسعه سیاسی به معنای استفاده از ظرفیت نهادها شکل بگیرد. در این صورت است که می‌توان مشارکت اثربخش و مداوم را از سوی شهروندان انتظار داشت و انتخابات مجلس را بر مبنای نقش مؤثر احزاب سیاسی سامان بخشید.

بر مبنای توسعه پایدار بر مبنای تخصص‌گرایی و شایسته‌سالاری باید گفت که نظام انتخاباتی تناسبی با فراهم کردن شرایط مناسب‌تر برای اثرگذاری احزاب سیاسی، شایسته‌سالاری را به‌نحو بهتری در زمینه انتخاب نمایندگان امکان‌پذیر می‌سازد. به این دلیل که نظام انتخاباتی تناسبی بر پایه وجود احزاب

می‌گیرد که نقش مهمی در تحقق توسعه پایدار با محوریت نهادسازی و برنامه‌های توسعه دارد. از این منظر نظام انتخاباتی تناسبی سازگاری بالایی با توسعه پایدار در بُعد سیاسی آن دارد که نتایج آن در مشارکت هرچه بیشتر شهروندان و افزایش مشروعیت نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران و بهبود روند توسعه بر مبنای مداخله مردم در امور نمایان می‌گردد. بنابراین توسعه دارای وجه سیاسی روشنی است که گزینش نظام انتخاباتی تناسبی در عرصه انتخابات مجلس شورای اسلامی نقش مهمی در تحقق آن بر عهده دارد.

۷. سهم نویسندگان

مقاله حاضر حاصل تلاش مشترک نویسندگان بوده است.

ملاحظات اخلاقی

در نگارش مقاله حاضر اصول اخلاقی نظیر استناددهی و امانت‌داری رعایت شده است.

باعث محقق شدن توسعه سیاسی و در نهایت کمک به فرایند توسعه پایدار می‌شود. بدین معنا که توسعه نیازمند مداخله آحاد مردم بر مبنای نقش آفرینی از طریق نهادهایی نظیر احزاب و سایر نهادهای مدنی است. از این رو باید گفت که گزینش نوع خاصی از نظام انتخاباتی نیز نقش مهمی در این فرایند دارد. بر این اساس نظام انتخاباتی اکثریتی که در انتخابات مجلس شورای اسلامی حاکم است، چندان نتوانسته باعث تحقق توسعه پایدار از منظر مشارکت دادن مردم در عرصه سیاسی شود. هم‌چنان که با دامن زدن به مسائل قومی و قبیله‌ای در گزینش نمایندگان مجلس شورای اسلامی باعث شده تا نگرش توسعه ملی جای خود را به توسعه بخشی بدهد و از این رو مسائل کلان و ملی و پیوند آنان با مشکلات استان‌ها و مناطق در سایه رقابت‌های قومی و قبیله‌ای به حاشیه برود. امری که در تضاد با فرایند توسعه از نوع ملی و کلان شده و مشکلاتی را نیز پدید آورده است. به نظر می‌رسد گزینش نظام انتخاباتی تناسبی برای برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی از جهات متعددی می‌تواند بحث توسعه پایدار را در وجه سیاسی آن محقق سازد. از جمله اینکه مشارکت نهادی را با برجسته نمودن احزاب سیاسی از طریق ارائه فهرست برای نامزدها امکان‌پذیر می‌سازد، رقابت‌های قومی و ضد توسعه را با نگرش ملی و توسعه کلان جایگزین می‌سازد. هم‌چنین مشارکت مبتنی بر منافع شخصی و قومی را که محور اصلی نظام انتخاباتی اکثریتی است، کنار گذاشته و از افراد دارای صلاحیت و تأیید شده از سوی احزاب سیاسی حمایت می‌کند. علاوه بر این در شیوه تناسبی و فهرست حزبی، مردم‌سالاری بر مبنای نگاه قانون اساسی و قانون حمایت از احزاب و تشکل‌ها شکل

منابع

- احمد ساعی و سعید میرترابی، تهران، نشر قومس، ۱۳۹۶.
- بلوچی، عماد، «بررسی تطبیقی نهادهای تضمین-کننده آزادی‌های عمومی در ایران و فرانسه»، پایان-نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد مرودشت، ۱۳۹۴.
- تودارو، مایکل پائول، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران، سازمان و بودجه، ۱۳۷۲.
- جمعه‌پور، محمود، «فرایند توسعه پایدار و نقش مشارکت مردمی در مدیریت و بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی»، مجموعه مقالات همایش منابع طبیعی، مشارکت و توسعه، ۱۳۷۸.
- چلیپی، مسعود، جامعه‌شناسی نظم، تهران، نشر نی، ۱۳۷۵.
- حبیب‌نژاد، سیداحمد؛ شیرزاد، امید، «حوزه عمومی و نسبت آن با نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»، دو فصلنامه حقوق بشر، سال چهاردهم، شماره ۱(۲۷)، بهار و تابستان، ۱۳۹۸.
- حکیمی، محمد، پدیده‌شناسی فقر و توسعه، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰.
- خسروی، حسن، «نظام انتخاباتی کارآمد مجلس شورای اسلامی در پرتو نظام‌های انتخاباتی»، مجله علوم سیاسی، سال هجدهم، شماره ۷۱، ۱۳۹۵.
- دهشیار، حسین، دموکراسی اکثریت، دموکراسی اقلیت، مجله شهروند، شماره اول، ۱۳۸۶.
- اخترشهر، علی، اسلام و توسعه، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.
- آزاد ارمکی، تقی؛ ایار، علی، «بازپیکربندی مسئله قبیله‌گرایی در ایران امروز»، مجله بررسی مسائل اجتماعی، دوره یازدهم، شماره اول، ۱۳۹۹.
- ازکیا، مصطفی، غفاری، غلامرضا، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی روستایی. تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۴.
- اطاعت، جواد؛ تاپاک، محمد؛ نصرتی، حمیدرضا، «امکان‌سنجی نظام انتخاباتی ترجیحی در انتخابات مجلس شورای اسلامی (مطالعه موردی: حوزه انتخابیه ممسنی و رستم)»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۹۴، ۱۴۰۰.
- اعمایی، حسن؛ رضایی، مصطفی، «متنوع حکمرانی حزبی؛ آسیب‌شناسی رابطه نظام حزبی و نظام انتخاباتی در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۱(۱۱)، ۱۳۹۸.
- اکبری، قاسم؛ راستی، عمران؛ میکانیکی، جواد، «استانی شدن انتخابات؛ تمرکزگرایی یا تمرکززدایی، با تأکید بر حوزه‌های انتخابیه استان خراسان جنوبی»، فصلنامه مطالعات فرهنگی-اجتماعی خراسان جنوبی، شماره ۲(۱۱)، ۱۳۹۵.
- بخشایشی اردستانی، احمد، اصول علم سیاست، تهران: انتشارات آوای نور. ۱۳۷۶.
- برنل، پیتر؛ رندال، ویکی، مسائل جهان سوم؛ مطالعه سیاست در جهان در حال توسعه، ترجمه

- رضانی باصری، عباس؛ میرفردی، اصغر، «تبیین نهادگرایی و گرایش آن به توسعه»، مجله اقتصادی، شماره ۴ (۴)، ۱۳۹۳.
- سجادیان، ناهید؛ نعمتی، مرتضی؛ شجاعیان، علی؛ اورکی، پریوش، «ارزیابی نقش طایفه‌گرایی در احساس امنیت اجتماعی (مطالعه موردی: شهر ایزده)»، فصلنامه اطلاعات جغرافیایی (سپهر) دوره بیست و چهارم، شماره ۹۴، ۱۳۹۴.
- صمدی، سعید، «بررسی تطبیقی قانون انتخابات ۱۱۰ کشور جهان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۷۴.
- عباسی، بیژن، «نقد و بررسی نظام‌های انتخاباتی اکثریتی و تناسبی»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره سی و نهم، شماره ۳، ۱۳۸۸.
- عظیمی، حسین، «دین، فرهنگ و توسعه»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۳۸، ۱۳۷۱.
- فیرحی، داود، «مشارکت سیاسی در دولت اسلامی»، هفته‌نامه مفید، شماره ۲۵، ۱۳۸۰.
- قوام، عبدالعلی، سیاست‌های مقایسه‌ای، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۵.
- کاویانی‌راد، مراد، جغرافیای انتخابات با تأکید بر انتخابات ریاست جمهوری، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۹۲.
- کاویانی راد، مراد؛ ویسی، هادی، «بررسی تأثیر همسایگی بر انتخابات ایران، مطالعه موردی نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران»، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۴ (۳)، ۱۳۸۷.
- مشهدی احمد، محمود، «معنا و مفهوم نهاد در اقتصاد نهادگرا؛ نگاهی به اختلافات موجود بین نهادگرایی جدید و قدیم و نقش نهادها در مناسبات اقتصادی»، فصلنامه پژوهش اقتصادی، شماره ۴۸، ۱۳۹۲.
- میرزاده کوهشاهی، نادر؛ میرزاده کوهشاهی، مهدی، «امکان‌سنجی استانی‌شدن حوزه‌های انتخاباتی در انتخابات مجلس شورای اسلامی»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال چهارم، شماره ۱۴، ۱۳۹۰.
- میرزایی تبار، میثم؛ حسینی، محمدحسین؛ صادقی، وحید، «تبیین رابطه طایفه‌گرایی و حقوق شهروندی (نمونه پژوهی: انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی)»، مجله پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، شماره ۲، ۱۳۹۶.
- منصوریان، مصطفی؛ نیکونهاد، حامد، نظام حقوقی حاکم بر انتخابات، نظام‌های انتخاباتی، تهران، انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۶.
- نقیب‌زاده، احمد، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، نشر سمت، ۱۳۹۸.
- هاشمی، سیدمحمد؛ مختاری، مهدی، «سیر تحول نظام انتخابات پارلمانی در ایران»، مجله تحقیقات حقوقی، ویژه‌نامه، شماره ۵، ۱۳۹۰.
- هیوود، اندرو، سیاست، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران، نشر نی، ۱۳۸۹.